

بوپال، پس از ۲۵ سال

گفتگوی «ایمی گودمن»^۱ با «ساتینات سارانگی»^۲، برگرفته از وبسایت «دموکراسی، اکنون!»^۳

امروز، بیست و پنجمین سالگرد یکی از بدترین فجایع صنعتی قرن بیستم است. اندکی پس از نیمه‌شب سوم دسامبر ۱۹۸۴، در شهر بوپال هندوستان، ده‌ها تن گاز مرگ‌آور از کارخانه‌ی آفت‌کشی که به‌وسیله‌ی شرکت آمریکایی یونیون کارباید اداره می‌شد، نشت کرد. ابرهایی از گازهای خفه‌کننده، بر شهر فرود آمدند. ساکنان، در حالی که گلوهایشان می‌سوخت و اشک‌هایشان جاری بود، بیدار شدند. این گازها، آن‌چنان مایعاتی در ریه‌هایی مردم ایجاد می‌کرد که بسیاری از مردم، در مایعات بدن خودشان مغروق شدند.

طی چند روز، بین ۸ تا ۱۰ هزار نفر جان خود را از دست دادند. در سال‌های بعدی، هزاران نفر درگذشتند. هنوز، بیش از ۱۵۰ هزار نفر از بیماری‌های مزمنی رنج می‌برند که باعث ازکارافتادگی می‌شود. گزارش تازه‌ای که همین هفته توسط نهاد «مطالبه‌ی درمانی بوپال» و یک کلینیک محلی منتشر شده، نشان می‌دهد که هنوز میزان زیادی از مواد شیمیایی سمی در منابع آب آشامیدنی پانزده محله‌ی نزدیک به آن کارخانه‌ی قدیمی وجود دارد. هفته‌ی گذشته، مقامات هندی تصمیم گرفتند کارخانه را بازگشایی نکنند. آن‌ها پیشتر اعلام کرده بودند که کارخانه را راه‌اندازی خواهند کرد تا ثابت کنند که دیگر تهدیدی برای امنیت عموم نیست، اما در پی مواجه شدن با تظاهرات اعتراضی، از تصمیم خود بازگشتند.

ایمی گودمن: در ماه آگوست، یک دادگاه هندی باز هم قرار بازداشتی برای مدیرعامل سابق شرکت یونیون کارباید، وارن اندرسون، صادر کرد. دادگاه، دولت هند را ترغیب کرد که خواهان استرداد وی از ایالات متحده شود. در سال ۲۰۰۱، شرکت آمریکایی-چندملیتی داو کیمیکال، یونیون کارباید را

¹ Amy Goodman

² Satinath Sarangi

³ Democracy Now!

خریداری کرد. این شرکت از پاک کردن آلودگی گسترش‌یابنده‌ی حاصل از کارخانه‌ی متروک، سر باز زده است.

امروز، بیست و پنجمین سالروز فاجعه‌ی بوپال است و حامیان قربانیان در سرتاسر جهان در یک روز بین‌المللی اقدام، مشارکت خواهند کرد؛ اقدام‌هایی که شامل راهپیمایی‌های عمومی، بست‌مردگی^۴، شمع‌افروزی، تظاهرات و اقداماتی دیگر می‌شود.

من اخیراً با کنشگر فاجعه‌ی شیمیایی بوپال، ساتینات سارانگی صحبت کردم، که او را با نام ساتهپو شناخته می‌شود. او مهندسی است که یک روز پس از فاجعه، وارد بوپال شد و از آن پس هرگز بوپال را ترک نکرد. او کلینیکی برای ارائه‌ی مراقبت رایگان به بازماندگان بنا کرد و به چهره‌ای کلیدی در نبرد بازماندگان برای عدالت تبدیل شد. او اخیراً برای اجرای یک تور بیست‌ودو-شهری در بیست و پنجمین سالگرد فاجعه‌ی بوپال، به ایالات متحده آمده بود. تور او، «تا دیگر بوپال‌هایی رخ ندهد» نام داشت. گفتگوی من با وی، از پرسش من درباره‌ی فاجعه‌ی بوپال آغاز شد.

ساتینات سارانگی: بیست و پنج سال گذشته و با این حال عدالت درباره‌ی بوپال اجرا نشده. با وجود اینکه حتی امروز، کسانی در بوپال هستند که بابت نشتِ گازی که بیش از ۲۴ سال پیش رخ داد، رنج می‌کشند و می‌میرند.

ایمی گودمن: ساتهپو، می‌توانی توصیف کنی که در آن شب‌ها، یعنی سوم و چهارم دسامبر، در ۲۵ سال پیش، چه اتفاقی رخ داد؟

ساتینات سارانگی: بله. در شب گذار از دوم به سوم دسامبر ۱۹۸۴، بیش از بیست و هفت تن گاز سمی از آن کارخانه‌ی آفت‌کش که درست در کنار جایی قرار داشت که بیش از دویست‌هزار نفر، دویست‌هزار نفر از مردم فقیر، زندگی می‌کردند، نشت شد. و این کارخانه، کارخانه‌ای بود که مالک و طراح و مدیر آن شرکت یونین کارباید ایالات متحده بود. طی عملیات معمول کارخانه، آب وارد تانکر شد، و از آن‌جا که سیستم‌های ایمنی قطع بودند یا خیلی بد طراحی شده بودند، و از آن‌جا که کل کارخانه طراحی ضعیفی داشت، آب با متیل ایزوسیانات واکنش داد. متیل ایزوسیانات به مقادیر

^۴ نوعی اعتراض شبیه بست‌نشینی است، با این تفاوت که در آن معترضان به حالت مردگان، بی‌حرکت بر زمین می‌مانند.

بسیار زیادی آنجا ذخیره شده بود. واکنشی رخ داد که تبدیل به یک واکنش گریزپا شد که دیگر هیچ کنترلی بر آن نبود. و در ضمن، علاوه بر آن که سیستم‌های ایمنی طراحی ضعیفی داشتند، بدکار یا تحت تعمیر هم بودند. این گاز نشت کرد، و همچون ابری به ارتفاع سی فوت (بیش از ۹ متر)، تمام شهر بوپال را که بیش از نیم میلیون جمعیت داشت، در خود پوشاند.

کارخانه هیچ سیستم هشدار می‌نداشت. هیچ کس، هیچ کس از کارخانه نبود که به مردم گفته باشد در جهت خلاف حرکت باد بدوند و نه هم جهت با باد، یعنی کاری که مردم کردند؛ و هیچ کس نگفته بود که می‌توانستند تنها با پوشاندن یک پارچه‌ی خیس روی بینی و دهانشان، خودشان را از اثر مرگبار گاز در امان بدارند. مردم فقط بعد از آن که از همه طرف توسط این ابر احاطه شدند، از ماجرا مطلع گردیدند و شروع به دویدن کردند. و وقتی دویدند، با دویدنشان میزان هرچه بیشتری از این گاز سمی را که ریه‌هایشان را خراش می‌داد، استنشاق کردند. و ترشح مایعات بدن، آن‌چنان در ریه‌هایشان زیاد بود که در حقیقت، بسیاری افراد از آن رو مردند که در مایعات بدن خود غرق شدند. عده‌ی بسیار بسیار زیادی هم بودند که بابت اثرگذاری [گاز] بر مغزشان مُردند. زنان، در حین دویدن، بچه‌هایشان را سقط می‌کردند.

و روز بعد - تا روز بعد، هزاران نفر مُرده بودند. در سه روز اول، بین هشت تا ده هزار نفر مُردند. و در سال‌های بعدی، عده‌ی بیشتری بابت آسیبی که تقریباً به تمامی اندام‌های بدن رسیده بود، درگذشتند؛ چرا که سمی که مردم استنشاق کردند، از طریق ریه‌ها وارد جریان خون آن‌ها شد و آنجا ماند و به ریه‌ها، مغز، کبد و کلیه‌ها آسیب زد. و حتی هنوز بیش از ۱۰۰ هزار نفر بابت قرار گرفتن در معرض آن گاز به بیماری‌های مزمن مبتلا هستند. چنان‌که می‌دانیم، نسل بعد هم متأثر از سموم کارباید است. به‌علاوه، ۳۰ هزار نفر هم بودند که آب‌های آلوده‌شده‌ی برآمده از زمین‌های اطراف کارخانه را می‌آشامیدند. بابت دفع گستاخانه‌ی زباله‌های پرخطر، آن‌ها هم بیمارند و در این جمعیت، افزایش چشمگیر نواقص ولادی وجود دارد.

ایمی گودمن: چرا شما، که اصالتاً اهل بوپال نبودید و در بوپال زندگی نمی‌کردید، به آنجا رفتید؟

ساتینات سارانگی: من در رادیو ماجرا را شنیدم و با خودم فکر کردم که باید کاری کنم، و فکر کردم به بوپال خواهیم رفت و شاید حدود یک هفته کار کمک‌رسانی انجام دهم و سپس به سراغ تحصیلاتم برگردم.

ایمی گودمن: و چه پیش آمد؟

ساتینات سارانگی: و وقتی به آنجا رفتم، آن همه مردم را دیدم که رنج شدیداً بدی می‌کشیدند، و دیدم که بسیاری افراد برای کمک آمده‌اند، و به آن‌ها پیوستم. بعد دیگر هیچکدامان به این فکر نمی‌کردیم که چقدر از آنجا بودنمان گذشته، چرا که - خیلی به کمک نیاز بود. آدم‌هایی داشتند روز و شب کار می‌کردند تا بکوشند دردی را که هزاران و هزاران نفر می‌کشیدند، التیام دهند.

ایمی گودمن: درباره‌ی یونیون کارباید صحبت کنید. در زمان نشت گاز، چه اقدامی انجام داد؟ به باور شما، این اتفاق چگونه رخ داد؟ و پس از آن دولت هند چگونه با آن‌ها مواجه شد؟ و اکنون موضع دولت هند چیست؟

ساتینات سارانگی: خب، چیزی که بر مبنای اسناد داخلی یونیون کارباید، که ما آن را از طریق فرایند اکتشافی دادگاه فدرال ایالات متحده به دست آوردیم، مشخص می‌شود این است که در ابتدای کار، پیشتر در سال ۱۹۷۳، زمانی که پیشنهادی کارخانه‌ی متیل ایزوسیانات در بوپال توسط ساختمان مرکزی یونیون کارباید در شهر دنبری کنکتیکات تأیید شد، آن‌ها خیلی خوب می‌دانستند که برای کاهش هزینه‌ها «فن‌آوری آزمایش نشده» (بنا به نقل قول مستقیم) به آنجا فرستاده‌اند. و این فن‌آوری آزمایش نشده شامل مواد ساخت و ساز زیر سطح استاندارد هم میشد. تغییر چشمگیری در طراحی، نسبت به کارخانه‌ی خواهر آن در شهر اینستیتوت ویرجینیای غربی وجود داشت. و به شکلی ساخته شده بود که هزینه‌ی اداره‌اش بسیار کم‌تر باشد. و همچنین، به طریقی ساخته شده بود که که زباله‌ی سمی صرفاً در سطح [زمین] دفع شود؛ و مدیریت یونیون کارباید از پیش می‌دانست که مشکل جدی آلودگی رخ خواهد داد. و با این حال، این پروژه را به بوپال فرستادند.

در سال ۱۹۸۰، این کارخانه ناامن‌تر هم شد. چرا که ساختمان مرکزی یونیون کارباید در شهر دنبری کنکتیکات تصمیم گرفت که هزینه‌هایش را در سطح جهان کاهش دهد، که به این معنا بود که از شمار

کارگران کاسته شد. کارگران تقریباً به نصف کاهش یافتند، و به این ترتیب آموزش ایمنی که پیشتر شش ماه بود، به ۱۵ روز کاهش یافت. نتایج این کاهش هزینه خیلی زود آشکار شد: کارگران بستری می شدند، مصدوم می شدند. یک کارگر جانش را از دست داد. تمام این اطلاعات از دفتر بوپال به ساختمان مرکزی یونیون کارباید ارسال می شد، اما آن‌ها هیچ توجهی نکردند. کاری که کردند این بود که در سال ۱۹۸۲ شرکت یونیون کارباید یک تیم بازرسی ایمنی متشکل از مهندسان را از شهر چارلستون ویرجینیای غربی، فرستاد؛ و آن‌ها دریافتند که حداقل ۳۰ نقطه وجود دارد که خطر عمده می تواند در آن ۳۰ نقطه از کارخانه‌ی آفت کش بوپال، حادث شود. ۱۱ نقطه از این ۳۰ نقطه، در واحد ۷ متیل ایزوسیانات بود، که فاجعه در آن جا رخ داد. اما برای درمان این مسائل، در این نقاط خطر، هیچ کاری انجام نشد. حتی این اطلاعات با مدیریت محلی یا با کارگران در میان گذاشته نشد. بنابراین، این فاجعه در انتظار رخ دادن بود. و یونیون کارباید این را می دانست؛ با این وجود آن‌ها کاهش هزینه‌هایشان را اجرایی کردند، که شامل تعطیل کردن یک سیستم سرمایشی بود که وجودش در آن جا الزامی بود تا بتواند متیل ایزوسیانات را در دمایی زیر صفر نگه دارد. این واحد سرمایشی صرفاً برای صرفه‌جویی به میزان چیزی حدود ۳۰ دلار در روز، تعطیل شد. بنابراین، تمام این تفاوت‌های عمده در طراحی، و تعطیل کردن سیستم‌های ایمنی، منجر به فاجعه‌ای شد رخ دادنش بسیار بسیار آشکار بود.

و درست پس از حادثه، یونیون کارباید این موضع را اتخاذ کرد که علت حادثه یک کارگر ناراضی بوده، اعلام کرد که یک کارگر ناراضی که از شیوه‌ی برخورد مدیریت با کارگران رضایت نداشته عامل وقوع حادثه بوده؛ یک دروغ بسیار بسیار سهمگین؛ چرا که یونیون کارباید نام این کارگر را هم که می‌گویند ناراضی بوده و بی‌هیچ مدرکی می‌گویند خرابکاری کرده، اعلام ننموده است.

دیگر اقدامی که یونیون کارباید در تلاش برای کاهش آسیب انجام داد، یعنی برای کوچک‌انگاری آسیبی که ایجاد شده بود، این بود که حرفه‌ای‌هایی همچون هانس ویل را با پرواز به آن جا فرستاد.

هانس ویل کسی بود که تصاویر اشعه‌ی ایکسی را در پرونده‌ی آزیست جانز منویل سر هم کرده بود.^۵
هانس ویل، دکتر هانس ویل، را با پرواز آوردند و ایشان گفت: «نه، هیچ مشکلی نیست.»

و سومین کاری که یونیون کار باید انجام داد، این بود که شاخ و شانه کشید و عملاً سعی کرد مردم را بترساند. مثلاً زمانی که پرونده به هند برگردانده شد، یونیون کار باید اعلام کرد که پرونده‌ی تک تک افرادی را که مدعی دریافت خسارت بابت حادثه باشند را بررسی متقابل خواهد کرد و هریک از آن جمعیت بالای نیم میلیون نفری باید به دادگاه مراجعه کنند، کاری که بیش از ۱۵۰۰ سال زمان می‌برد. و از سال ۱۹۹۲، که یونیون کار باید را گریزان از عدالت، فراری از مقام عدالت اعلام کرده اند، کاری که پیوسته انجام داده، این بوده که از احضاریه‌های دادگاه هندوستان اطاعت نکرده و به‌سادگی از مراجعه به دادگاه سر باز زده. با این وجود، می‌دانیم که یونیون کار باید اکنون از طریق مالک کنونی اش، یعنی داو کیمیکال، کماکان به کسب و کارش ادامه می‌دهد. داو کیمیکال در سال ۲۰۰۱ مسئولیت یونیون کار باید را بر عهده گرفت، اما این کار، از طریق خرید دارایی‌های منتسب به شرکت بود. و اکنون موضع داو کیمیکال این است که ما مسئولیتی در قبال بوپال نداریم، و نمی‌شود ما را برای کارخانه‌ای که هرگز اداره اش نکرده‌ایم و در جایی مستقر است که ما هرگز در آن جا نبوده‌ایم، مسئول دانست؛ موضعی کاملاً ناعادلانه و غلط.

ایمی گودمن: ساتهیو، در سال ۱۹۸۷ دادگاه ناحیه‌ی بوپال یونیون کار باید و مسئولانش و مدیرعاملش وارن اندرسون را به قتل سهل‌انگارانه و دیگر جرائم جدی متهم کردند. در سال ۱۹۸۹، یونیون کار باید و دولت هند از طریق مذاکره به توافق دو جانبه‌ای رسیدند که طی آن حدود ۵۰۰ میلیون دلار به تمامی صدمات حاصل از نشت گاز تعلق می‌گرفت. آن پول کجاست؟

ساتینات سارانگی: یونیون کار باید ۴۷۰ میلیون دلار برای بیش از نیم میلیون نفری که قربانی شده بودند پرداخت کرد. تمامی آن پول توزیع شده است. تا آخرین پنی آن پول به دست قربانیان رسیده.

^۵ پرونده‌ای که در آن، از جانز منویل بابت تولید و عرضه‌ی مصالح ساختمانی محتوی آزیست شکایت شده بود. تولید مصالح محتوی آزیست، باعث بروز بیماری‌های شدید و لاعلاج در معدنچیان و کارگران و خانواده‌هایشان و ساکنان مناطق نزدیک کارخانه می‌شد.

دولت هند این کار را انجام داد. اما مبلغ پرداختی ناچیز بوده است. به هر شخص که آسیب مادام‌العمر دیده بود ۵۰۰ دلار، و به هر خانواده‌ای که مرگی در آن رخ داده بود ۲۰۰۰ دلار پرداخت شد.

ایمی گودمن: شما در این مدت که در اینجا، ایالات متحده، بودید، با شرکت داو کمیکال که مالک یونیون کار باید است دیداری داشتید؟

سائینات سارانگی: نه، در این تور ما دیدارشان نکردیم. البته پیشتر، دو بار آن‌ها را دیده‌ایم، اما این دیدارها بسیار نومیدکننده و عصبانی‌کننده بودند، چرا که آن‌ها ما را به ملاقات با مسئولین روابط عمومی شرکت هدایت می‌کردند، و ما می‌دانیم که این افراد آموزش دیده‌اند که فقط یک چیز را بگویند. برای همین به دیدن مسئولین روابط عمومی نرفتیم. برآوردمان این بود که از این دیدار هیچ فایده‌ای حاصل نخواهد شد.

ایمی گودمن: اکنون خواسته‌های شما چیست؟

سائینات سارانگی: خواسته‌های ما ساده‌اند. ما می‌گوییم که داو کمیکال باید بابت آلودگی سمی آب‌های سطحی و خاک منطقه مسئول شناخته شود، آن زباله‌های سمی را پاکسازی کند، و هزینه‌ی آسیب‌های سلامتی وارده را بپردازد، و مشخص کند که بابت این سموم چه تعداد افراد اکنون بیمارند و چه تعداد کودک با مشکلات ولادی به دنیا آمده‌اند، و نیز این‌که یونیون کار باید و مسئولیتش وارن اندرسون باید خودشان را به دادگاه هند، که پرونده‌ی جنایی در آن هنوز باز است، معرفی کنند.

ایمی گودمن: سانهیو سارانگی، بیست و پنج سال بعد از فاجعه‌ی بوپال، چه چیز به شما امید می‌دهد؟

سائینات سارانگی: امید من از آن‌جاست که همه‌ی این بیست و پنج سال فقط رنج یا فقط مبارزه نبود؛ در این سال‌ها پیروزی‌های زیادی هم داشته‌ایم، پیروزی‌های کوچک و بزرگ، آن هم پیروزی‌هایی از جانب مردمانی که هیچ ندارند یا تمام احتمالات علیه آن‌هاست و دارند با یکی از غول‌های شرکت‌های شیمیایی می‌جنگند که دولتی که لاقفل تا همین اواخر قدرتمندترین دولت دنیا تلقی می‌شده، از آن شرکت به شکلی آشکار پشتیبانی می‌کند؛ و با همه‌ی این اوصاف، این مردم پیروزی‌هایی داشته‌اند. بنابراین، امید من این است.

ایمی گودمن: گفتگویی بود با کنشگر فاجعه‌ی شیمیایی بوپال ساتینات سارانگی. امروز بیست و پنجمین سالگرد فاجعه‌ی بوپال است. در روز دوم و سوم دسامبر در سال ۱۹۸۴، نشت گازی در کارخانه‌ی یونیون کارباید در بوپال وجود داشت. این حادثه منجر به مرگ بیش از ۱۰ هزار نفر شد. و اکنون، بیش از ۱۵۰ هزار نفر کماکان معلول و آسیب‌دیده‌اند.

منبع:

https://www.democracynow.org/2009/12/3/25_years_after_bhopal_disaster_survivors

تاریخ انتشار مطلب اصلی: ۳ دسامبر ۲۰۰۹